

ارزیابی برگردان تضمین نحوی در ترجمه‌های شعرانی، فیض الاسلام، انصاریان و فاطمه احمدی از

صحیفه سجادیه

(مطالعه موردی حرف جرّ الی)

علیرضا بابایی

چکیده

یکی از دشواری‌های مترجمان در ترجمه صحیفه سجادیه، برگردان صحیح حروف جر به زبان مقصد است. علت این دشواری، ضرورت توجه به مثلث حرف جرّ، متعلق و مجرور، در کنار توجه به قرائن لفظی و مقامی از جمله بافت کلام است. از رهگذر توجه به مثلث پیش گفته، پدیده زبانی به نام تضمین نحوی مطرح می‌شود. تضمین، گنجاندن معنای یک فعل در فعل دیگر به اهداف گوناگون از جمله ایجاز بلاغی، با تکیه بر قرینیت حرف جرّ است. ترجمه و تفسیر اشتباه، از پیامدهای ناشی از غفلت نسبت به این پدیده است. سیدعلیخان مدنی در شرح ریاض السالکین به تضمین نحوی توجه ویژه داشته است. پژوهش حاضر که نقد ترجمه با الگوی دادز بوده و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، برگردان تضمین نحوی در ترجمه‌های شعرانی، فیض الاسلام، انصاریان و فاطمه احمدی در خصوص حرف جرّ «الی» را ارزیابی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ترجمه‌های برگزیده در بیشتر موارد، دچار لغزش شده و عملکرد موفقی در یافت تضمین و برگردان آن در حرف «الی» به زبان فارسی نداشته‌اند.

کلید واژه‌ها

ترجمه صحیفه سجادیه، حرف جرّ الی، تضمین نحوی، ریاض السالکین، ابوالحسن شعرانی، سیدعلینقی فیض الاسلام، حسین انصاریان، فاطمه احمدی.

۱. پیشگفتار

صحیفه سجادیه، مجموعه دعاهایی است که امام زین العابدین علیه السلام انشا فرموده‌اند و امام محمد باقر علیه السلام فرزند بزرگوارشان آن‌ها را نوشته‌اند و امام جعفر صادق علیه السلام نیز در مجلس حاضر بوده و آنها را می‌شنیده است. این کتاب توسط ابن سکون و یا عمید الرؤسا، از عالمان قرن ششم، با سلسله سند متصل از ابوالفضل شیبانی، راوی سرشناس قرن سوم، گزارش شده است.^۱ در بسیاری از اجازات علمای امامیه نیز این کتاب را به اخت القرآن در برابر اخ القرآن یعنی نهج البلاغه وصف نموده‌اند. از جمله نام‌های دیگر آن که پیشینه تاریخی میان محدثان و فهرست نگاران دارد، «صحیفه عتیقه»^۲ «دعاء الکامل»^۳ و «دعاء الصحیفه»^۴ است.

این کتاب شریف، مجموعه ۵۴ دعا شامل مباحث عرفانی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی است که بعد از قرآن کریم و در کنار نهج البلاغه مهمترین متن دینی و مقدس مسلمانان و شیعیان در کشف معارف الهی محسوب می‌شود. این کتاب در میان علمای شیعه به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملقب گردیده است و همانطور که انجیل عیسی علیه السلام و زبور داود علیه السلام دو کتاب آسمانی حاوی علوم و معارف الهی بوده‌اند، صحیفه هم دربردارنده علوم و معارفی است که جهانیان را به سعادت و نیکبختی می‌رساند.

در قرون متمادین، برای بهره‌مندی فارسی‌زبانان از این کتاب شریف، افراد مختلف با دو سبک نظم یا نثر دست به ترجمه آن زدند که شمار آن از ۳۵ ترجمه عبور می‌کند. با توجه به اهمیت والایی که این کتاب مقدس دارد، ترجمه آن همانند ترجمه قرآن، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. محققان و پژوهشگران در عرصه حدیث و ترجمه، از زوایای مختلفی به نقد و بررسی این ترجمه‌ها پرداخته‌اند.

ترجمه صحیح متون مقدس بایسته‌های زیادی دارد که یکی از آن‌ها، آشنایی کامل با دانش‌های زبان مبدأ همانند زبان عربی است. فهم واژگان و اصطلاحات تخصصی، شناخت ساختار نحوی و دستوری، آگاهی از مقتضای حال و معانی ثانوی وابسته به علم معانی، اسلوب‌های بیانی مانند تشبیه، مجاز و صنعت‌های لفظی و معنوی مرتبط با دانش بدیع، نقش به سزایی در شکل‌گیری برگردان صحیح یک متن مقدس ایفا می‌کند. بی‌توجهی به آن نیز، ترجمه را دچار آسیب‌های مختلف علمی، فنی، مبنایی و غیره می‌کند که یکی از انواع آسیب‌های فنی، مشکلات ناشی از عدم توجه به ساختار نحوی واژگان از جمله پدیده تضمین است.

۱. اعتبارسنجی الصحیفه السجادیه، ص ۳۲.

۲. الأمالی، ص ۲۳۹.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۲.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۲۶.

توجه به تضمین نحوی به عنوان یک قاعده فرعی از دانش پرگستره نحو، جایگاه ویژه‌ای در فهم دقیق متون مقدس از جمله صحیفه سجادیه دارد. شناخت قواعد و چارچوب تضمین نحوی ما را در فهم و درک بهتر ادعیه و بهره‌مندی بیشتر از صحیفه سجادیه کمک می‌دهد و دست مترجمان را در ارائه ترجمه بهتر و دسترسی آسان به معانی ادعیه آن یاری می‌رساند. ولی متأسفانه مترجمان و شارحان، به طور شایسته و بایسته به این قاعده ظریف و پیچیده توجه نکردند.

مورد مطالعه این پژوهش ترجمه آقایان ابوالحسن شعرانی (۱۲۸۰-۱۳۵۲ش)، سیدعلی نقی فیض الاسلام (۱۳۶۴-۱۲۸۴ش) و حسین انصاریان (متولد ۱۳۲۳ش) و همچنین خانم فاطمه احمدی (۴) است.^۵ از بین این افراد تنها فرد اخیر در مقدمه کتاب اذعان دارد که ترجمه‌اش در طی سه سال بررسی و تطبیق بیش از ده ترجمه معتبر و مراجعه مکرر به فرهنگ اصیل لغات و تطبیق کلمات دعا با واژه‌های قرآنی نگاشته شده و تمام واژگان را بر اساس *ریاض السالکین* کنکاش ادبی کرده است.^۶

ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین نگاشته سیدعلی خان مدنی است. ایشان یک شخصیت برجسته در دانش‌های مختلف به ویژه علوم ادبی است. در شرح خود از هنجارها و فراهنجارهای زبانی بسیار استفاده کرده است. همچنین پدیده تضمین نحوی را در سرتاسر صحیفه سجادیه شناسایی کرده و معنای نهفته و اشارات شده را مشخص نموده است. بنابراین این شرح در کشف پدیده تضمین یکی منابع این پژوهش محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در صدد است برگردان تضمین نحوی در ترجمه‌های برگزیده را مورد ارزیابی قرار دهد. پدیده تضمین، انواع و اقسام مختلفی دارد و برخی مربوط به رابطه فعل متعدی و مفعول به بی واسطه است و برخی مربوط به رابطه مطلق فعل با مفعول به با واسطه یعنی حرف جرّ. گاهی این پدیده در اسم پیدا می‌شود و گاهی در حرف. این پدیده ادبی با گستره‌ای که دارد نگارنده را وادار نموده است محدوده پژوهش خود را برگردان تضمین بکار رفته در عامل متعدی به حرف جرّ «الی» قرار دهد. انتخاب حرف «الی» نه به این جهت است که این حرف خصوصیتی در پدیده تضمین دارد و نه از این جهت که پرسامد در صحیفه باشد؛ بلکه برای تحقق پژوهش است.

همچنین برای تکمیل پژوهش ترجمه‌ای از جانب نگارنده پیشنهاد شده است که در برخی موارد، ترجمه پیشنهادی همسو با ترجمه‌های برگزیده است. به دلیل اینکه زبان فارسی در بیشتر موارد قدرت برگردان کامل و دقیق آیات و ادعیه را ندارد، گاهی ترجمه پیشنهادی نیاز به توضیح دارد که در ادامه بدان پرداخته شده است.

^۵ . از این پس برای رعایت اختصار، در یادکرد از این ترجمه‌ها، از علائم رمزی استفاده می‌شود. ش: شعرانی؛ ف: فیض الاسلام؛ ا: انصاریان و اح: احمدی.

^۶ . ترجمه صحیفه سجادیه، ص ۵.

علت انتخاب ترجمه‌های برگزیده این است که ترجمه آقای شعرانی نماینده ترجمه لفظ به لفظ و ترجمه آقای فیض الاسلام نماینده ترجمه تفسیری است. همچنین ترجمه آقای انصاریان در سال‌های اخیر مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است. علت انتخاب ترجمه خانم فاطمه احمدی نیز اذعان ایشان در بهره‌مندی از شرح ریاض السالکین است. اگر اعتذار مترجمان صحیفه سجادیه در عدم برگردان تضمین نحوی با دستاویز شدن به دلایلی از جمله رویکرد غیر ادبی خود قابل پذیرش باشد، اعتذار ایشان در عدم توجه به این پدیده هرگز مورد قبول نیست؛ زیرا مترجم اعتراف کرده است در شرح تمامی واژگان صحیفه سجادیه به ریاض السالکین مراجعه نموده است. این شرح به تمام پدیده‌های زبانی از جمله تضمین نحوی توجه ویژه داشته است. تضمین نحوی در شناخت معنای واژه در بستر ساختار دستوری نقش به‌سزایی دارد.

پژوهشگران حدیثی و دعایی، در حوزه نقد و بررسی ترجمه‌های صحیفه سجادیه، مقالاتی را به رشته تحریر درآورده‌اند که عبارتند از: «نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجادیه از منظر زبان‌شناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون» نوشته یسرا شادمان، محمدنبی احمدی و سحر ملکیان، «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)» نوشته محمد فرهادی، سید محمود میرزایی الحسینی و علی نظری، تحلیل همارزی انسجام دستوری غیرساختاری در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه و ترجمه‌های آن» نوشته علی اکبر نورسیده و مسعود سلمانی حقیقی.

ولی در این حوزه دانشی، هیچ پژوهشی یافت نشد که به پدیده تضمین و برگردان آن در ترجمه‌های آقایان شعرانی، فیض الاسلام و انصاریان و خانم فاطمه احمدی پرداخته باشد. از آنجا که مساله اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی برگردان تضمین نحوی در متعلق حرف جر «الی» در ترجمه‌های برگزیده از صحیفه سجادیه است، موضوع آن به نوعی بدیع و تازه است.

پژوهش حاضر، به روش فراتوصیفی و نقد ادبی انجام شده است. این پژوهش ابتدا به مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی پدیده تضمین پرداخته، سپس واژگانی که در صحیفه سجادیه متعدی به حرف جر «الی» بوده و بر اساس دیدگاه سیدعلیخان مدنی در شرح ریاض السالکین دارای تضمین نحوی است، را کشف کرده است. سپس با مراجعه به کتاب‌ها و معاجم لغوی دیدگاه صاحب ریاض را تثبیت کرده و در نهایت با رویکرد معادل‌یابی صحیح، به ارزیابی برگردان واژگان یاد شده در ترجمه‌ها می‌پردازد. در پایان ترجمه پیشنهادی خود را ارائه می‌دهد. داده‌های این نوشتار، از طریق اسناد نوشتاری، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم افزارهای علمی گردآوری شده است.

با توجه به نقش تضمین در انتقال معنا و مراد جدی و همچنین با توجه به هدف و رسالت ترجمه‌ها در انتقال آن از زبان مبدا به زبان مقصد، تمامی ترجمه‌ها اعم از تحت اللفظی، وفادار، تفسیری و آزاد شایستگی و بایستگی برگردان تضمین را داشته و بی‌توجهی آن‌ها در این امر مهم، نقصانی در کار آن‌ها محسوب می‌شود.

همچنین توجه آن‌ها به برخی تضمین‌های صحیفه سجادیه نشان از قابلیت ترجمه آن‌ها در برگردان این پدیده است. بنابراین اگر در موارد دیگر، از کنار آن به سادگی عبور کرده‌اند، عبور آگاهانه و تاکتیکی نبوده و قابل ارزیابی است.

۲. مفهوم شناسی

پیش از ورود به مساله لازم است، ابتدا مفاهیم اصلی بحث تعریف شود.

۲.۱. تضمین در لغت و اصطلاح

تضمین از ریشه «ضمن» به معنای کفالت و متعهد شدن^۷ و مصدر فعل «ضمّن» از باب تفعیل است که به معنای چیزی را در چیزی جای داد بکار می‌رود؛ مانند اینکه متاعی را در درون ظرفی یا مرده را در قبر جای دهند.^۸

واژه «تضمین» در دانش نحو، معنای اصطلاحی متفاوت نسبت به دانش بلاغت^۹ دارد. آنچه به موضوع این پژوهش مربوط است، ارائه یک تعریف فراگیر از تضمین نحوی است. نحویان تضمین را با گزاره‌های نزدیک به هم تعریف کرده‌اند.^{۱۰} برای پرهیز از پرنویسی، تنها به ذکر تعریف ابن‌هشام در کتاب *مغنی اللیب* اکتفاء می‌کنیم. وی در تعریف آن گوید: «تضمین عبارت است از این که به لفظی، معنای لفظ دیگر تزریق شده و دارای حکم لفظ دوم را شود و بدین صورت لفظ واحد در بردارنده دو معنا گردد».^{۱۱} مانند آیه شریف: «وَلْتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ».^{۱۲} فعل «لَتُكَبِّرُوا» به دلیل تضمین معنای حمد، با حرف استعلاء (علی) متعدی شده است. گویی گفته شده: «و لتکبروا الله حامدین علی ما هداکم».^{۱۳}

تضمین در فعل نزد نحویان بصری اجماعی است. تضمین فعلی تضمینی است که بین یک فعل و فعل دیگر واقع می‌شود که به نسبت دو مورد بعدی از بسامد بالایی برخوردار است. برخی برای تضمین فعل، شانزده زیر مجموعه بر شمرده‌اند.^{۱۴} ولی در مورد تضمین بین دو اسم و بین فعل و حرف اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی از جمله زرکشی و سیوطی معتقدند تضمین در اسم و حرف نیز جاری است.^{۱۵} برای تضمین در اسم

^۷ . الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۵۵.

^۸ . همان.

^۹ . برای آگاهی از تعریف «تضمین بیانی» در دانش بلاغت بنگرید به: الايضاح فی علوم البلاغه، ص ۳۱۶.

^{۱۰} . الخصائص فی اللغة، ج ۲، ص ۹۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۱.

^{۱۱} . مغنی اللیب، ج ۲، ص ۶۸۵.

^{۱۲} . سوره بقره، آیه ۱۸۵.

^{۱۳} . الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

^{۱۴} . تضمین و مصادیق آن در سوره یس، ص ۴.

^{۱۵} . البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۱.

می‌توان به آیه شریف «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا»^{۱۶} مثال زد. در این آیه، در واژه «وَلِيٌّ» معنای «مانع» اشراب شده است و به همین دلیل با حرف «مِن» بکار رفته است.^{۱۷}

تضمین حرفی تضمینی است که تضمین بین حرف و فعل واقع می‌شود. مثل این آیه شریف «فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ»^{۱۸} که هیئت حرفی «هَلْ لَكَ» متضمن معنای فعل «أَدْعُوكَ» یا «أُرْسِدُكَ» شده و به همین دلیل با حرف جر «إِلَىٰ» متعدی گشته است.^{۱۹}

۲.۲. فواید تضمین نحوی

برای پدیده تضمین اغراض بلاغی و فوائد معنایی بسیاری از جمله بیان غایت و نتیجه فعل، تناسب لفظی و وزنی، تغلیظ معنا، کنایه و تعریض، تشویق و تحریض برشمرده‌اند^{۲۰} که فراگیرترین و روشن‌ترین فایده بلاغی آن، ایجاز و گسترش در معناست. زیبایی تضمین نحوی در این است که نه تنها معنای نخستین واژه را نفی نمی‌کند، بلکه در یک زمان، هر دو معنا را در ذهن جایگزین می‌کند. گوینده بلیغ به کمک تضمین، دو مفهوم مد نظر خود را به صورت خلاصه در قالب یک واژه بیان می‌کند به طوری که هیچ یک از معنای آشکار و پنهان به تنهایی مقصود نیست. او با تضمین هر دو معنا را به نحو ترکیب اتحادی و نه انضمامی به مخاطب القاء می‌کند. زمخشری نیز در بیان این فایده گفته است: «أَيَا نَمِي بَيْنِي كَمَا مَعْنَى «لَا تُعَدُّ» فِي آيَةِ شَرِيفٍ «وَلَا تُعَدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ»^{۲۱} به معنای «لَا تَقْتَحِم» است و تضمین آن چنین می‌شود: «وَلَا تَقْتَحِمُهُمْ عَيْنَاكَ مَجَاوِزَتَيْنِ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ».^{۲۲}

۲.۴. برگردان

واژه «برگردان»، معادل فارسی «ترجمه» است. ترجمه در لغت، مصدر رباعی مجرد و به دو معناست؛ نخست: توضیح دادن و دوم: گزارش یک سخن به زبان دیگر.^{۲۳} معنای اصطلاحی ترجمه در راستای همان معنای لغوی دوم است. ترجمه به معنای حکایت کردن متنی نوشته شده یا گفته شده از زبانی به زبان دیگر است.^{۲۴} برخی ترجمه را اینگونه تعریف کردند: «یافتن نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل برای واژگان زبان مبدأ، به طوری که

^{۱۶} .سوره اسراء، آیه ۱۱۱.

^{۱۷} .التحریر و التئویر، ج ۱۴، ص ۱۸۸.

^{۱۸} .سوره نازعات، آیه ۱۸.

^{۱۹} .الخصائص، ج ۲، ص ۹۳.

^{۲۰} .تضمین بیانی و اغراض بلاغی آن در قرآن، ص ۲۳.

^{۲۱} .سوره کهف، آیه ۲۸.

^{۲۲} .الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۱۷.

^{۲۳} .المصباح المنیر، ج ۲، ص ۷۴.

^{۲۴} .نقد آموزی ترجمه‌های قرآن، ص ۱۶.

روش و سیاق گوینده حفظ گردد.^{۲۵} در تعریف دوم حفظ روش و سیاق گوینده مورد تاکید واقع شده است. این قید موجب خروج تفسیر یک متن از تعریف می‌شود.

۳. الگوی دادز

هم اکنون روش‌های مختلفی برای ارزیابی ترجمه، از سوی صاحب نظران مطرح شده است. از جمله الگوهای مهمی که برای ارزیابی ترجمه وجود دارد، می‌توان به الگوی دادز اشاره کرد.

در الگوی دادز، ارزیابی ترجمه بر تحلیل استوار است. در این الگو، منتقد ترجمه، یک تحلیلگر متن است که تحلیل سه بعدی‌اش باید زبان متن مبدأ، زبان متن مقصد و مقایسه این دو را در بر بگیرد.^{۲۶}

پژوهش حاضر، برگردان تضمین موجود در فعل‌های متعدی به حرف «الی» در قرآن در ترجمه‌های منتخب را با الگوی دادز ارزیابی می‌کند. یعنی متن مبدأ و متن مقصد را در نظر گرفته و با مقایسه این دو به تحلیل و نقد می‌پردازد.

۴. حفظ ساختار طبیعی زبان مقصد در برگردان تضمین

در برگردان تضمین باید از کلمه‌ای استفاده شود که توانایی رساندن هر دو معنای آشکار (واژه مذکور) و پنهان (واژه تضمین شده) را داشته باشد. از آنجا که در زبان فارسی به دلیل تنگنای واژه، امکان چنین معادل سازی وجود ندارد، مترجم به «افزایش» روی می‌آورد که یکی از راهکارهای برابریابی واژگان و ایجاد تعادل میان ساختارهای زبان مبدأ و مقصد است.^{۲۷} در چنین شرایطی ابتدا باید ژرف ساخت این پدیده مشخص شود.

در این میان تنها یک نظریه مطرح شده و همگان بدان ملتزم شده است و آن وجود «نقش نحوی حال» در این ژرف ساخت است؛ تنها اختلافی که بین زمخشری و بین بیضاوی و فخر رازی هست، بر سر شیوه بازسازی تضمین با عنصر حال است. بیضاوی و فخر رازی واژه ذکر شده را اصل قرار داده و معنای پنهان را در بازسازی کلام به صورت «حال نحوی» در نظر می‌گیرند.^{۲۸} زمخشری انحصاری در این شیوه ندیده و گاهی معنای آشکار را به صورت حال ذکر می‌کند.^{۲۹} سیدعلی خان مدنی در *ریاض السالکین* به تبع زمخشری هر دو روش

^{۲۵} فن ترجمه، ص ۷.

^{۲۶} روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، ص ۴۱.

^{۲۷} ن ک: فن ترجمه، ص ۲۰۳؛ روش شناسی ترجمه‌ی تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، ص ۱۵۰.

^{۲۸} ن ک: أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۲، ص ۵۹؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۳۳.

^{۲۹} در تفسیر آیه «و لتکبروا الله علی ما هداکم» (سوره حج، آیه ۳۷) گوید: «کأنه قیل " و لتکبروا الله حامدین علی ما هداکم"» (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۸) و در تفسیر «ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم» (سوره نساء، آیه ۲) گوید: «أی: ولا تضموها إلیها آکلین لها» (همان، ج ۲، ص ۷۱۷).

را می‌پذیرد.^{۳۰} عباس حسن نیز بدون اشاره به وجود اختلاف، این دو را به مثابه دو روش دانسته که در هر کجا یکی از آن دو می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.^{۳۱}

بررسی اینکه آیا ژرف ساخت تضمین بر پایه نقش حال استوار است و اینکه بر فرض پذیرش حال، کدام دیدگاه صحیح است از عهده این مقاله خارج است. نگارنده در نقد ترجمه‌ها به دیدگاه اجماع ادباء التزام داشته و اگر مترجم به شیوه‌ای غیر «حال نحوی» مانند عطف، به معنای پنهان اشاره کرده باشد، ترجمه وی را دارای اشکال می‌داند. زیرا عطف دلالت بر استقلال و عدم تقید دارد درحالی که در تضمین، معنای آشکار و پنهان، یک اتحاد و هم‌زمانی در ضمن تقید به یکدیگر دارند.^{۳۲} البته پدیده تضمین باید بر اساس اقتضائات زبانی مقصد برگردان شود.

برای حفظ ساختار طبیعی «حال» در زبان مقصد روش‌های متعددی وجود دارد که مترجمان به کار می‌گیرند. این روش‌ها بر اساس بافت متن مبدأ و مقصد انتخاب می‌شوند. هدف نهایی، رسیدن به ترجمه‌ای است که اولاً وفادار به نقش دستوری کلمه در زبان مبدأ (عربی) باشد و ثانیاً برای خواننده فارسی‌زبان کاملاً طبیعی و گویا به نظر برسد. در زبان فارسی اگر فعل پنهان به صورت «درحالی که/ در حال/ یا با حالت» ترجمه شود، از ساختار غیر طبیعی و نامأنوس برای کاربران استفاده شده و از زیبایی جملات کاسته می‌شود. هنر مترجم این است که بتواند تضمین در عبارت را با حفظ «حال نحوی» طوری در زبان مقصد برگردان کند هم زیبایی متن پایجا بماند و هم در برابر یابی واژگانی از ساختار طبیعی عبور نکند.

۴. تضمین واژگان متعدی به حرف جرّ «الی» در صحیفه سجادیه و ارزیابی ترجمه‌های برگزیده

اینک برخی نمونه‌های تضمین نحوی در ضمن واژگان متعدی به حرف جرّ «الی» در صحیفه سجادیه و برگردان آن‌ها در ترجمه‌ها برگزیده بررسی می‌شود. وجود تضمین در تمامی نمونه‌ها، با تکیه بر منابع لغوی و شرح ریاض السالکین در شیوه کاربست واژه، انگاشت شده است.

نمونه نخست: «قَبْضُهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ» (دعای نخست)

«قبض» در لغت به معنای «گرفتن»^{۳۳} و در این فراز به معنای «إماتة» میراندن است که متعدی بنفسه است. از مرگ با واژه «قبض» (گرفتن) تعبیر شده است که در اصل به معنای جمع کردن و بستن چیزی گسترده است؛ چرا که ضد آن، یعنی زنده کردن، از معنای «مدّ» (کشیدن) گرفته شده است که به معنای گسترش و ادامه دادن

^{۳۰}. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۶۱.

^{۳۱}. نحو الوافی، ج ۲، ص ۵۲۳.

^{۳۲}. المطول، ص ۲۲۵.

^{۳۳}. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۵۲.

حیات تا زمانی معین و مدت محدود است.^{۳۴} حضرت سجاد (ع) در این فراز، فعل «قبض» را با استفاده از حرف «إلی» به مفعول دوم تعدیه داده است، زیرا «قبض» متضمن معنای «سوق دادن» شده است (همان).

ترجمه‌ها

ش: «خداوندش بدان جای که فراخوانده است از ثواب موفور و عذاب محذور به قهر ببرد».

ف: «او را به آنچه خوانده از پاداش سرشار (بهشت) یا کیفر ترسناک خود (دروغ) فرا گیرد».

ا: «او را به سوی آنچه از پاداش بسیار یا عذاب دردناک فراخوانده بود ببرد»

اح: «او را به سوی آنچه بدان فراخوانده، از ثواب بسیار یا عذاب ترسناک فرو گرفت».

ارزیابی

هر چهار ترجمه به دلیل عدم توجه به پدیده تضمین، مبهم بوده و معنای روشنی از فراز ارائه نمی‌دهد. دلیل آن بی‌توجهی مترجمان به ناسازگاری فعل «قَبَضَ» با «إلی» و راهکار تضمین برای حل آن است. عبارت فارسی «به سوی آنچه بدان فراخوانده، فروگرفت» و مانند آن معنای روشنی ندارد. با اینکه در *ریاض السالکین* به تضمین و اشراب معنای «توجیه» در «قبض» تصریح شده است، مترجمان توجهی بدان نداشته و برگردان خود را مبهم رها کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی

«او را در حال سوق به ثواب سرشار یا عذاب ترسان قبض روح می‌کند».

نمونه دوم: «حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَيَّ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ» (دعای نخست)

در این فقره از دعای شریف، فعل «نُعْتَقُ» با حرف «إلی» همراه شده و بدین سبب، ساختی نامانوس پدید آورده است. دلیل این کاربست، تضمین و اشراب معنای «صیورره» در «نعتق» است. فعل «صار» و مشتقات آن در معنای تام خود یعنی «انتقل»، با حرف «إلی» کاربست دارد.^{۳۵} خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ»^{۳۶} معنای فقره پیش گفته با معنای پنهان آن چنین است: «صائرین به إلی کریم جوار الله».^{۳۷}

ترجمه‌ها

ش: «حمدی که ما را از آتش دردناک الهی آزاد ساخته در پناه خدای کریم محفوظ دارد».

^{۳۴} . ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۹۱.

^{۳۵} . شرح جمل الزجاجی، ج ۱، ص ۴۰۷.

^{۳۶} . سوره شوری، آیه ۵۳.

^{۳۷} . ریاض السالکین، ج ۱، ص ۳۵۰.

ف: «سپاسی که به آن از آتش دردناک خدا رسته بجوار رحمتش رهسپار شویم».

ا: «ستایشی که ما را از آتش دردناک خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد».

اح: «ستایشی که بدان از آتش دردناک الهی رها شویم و به جوار کریمانه حق نائل گردیم».

ارزیابی

در تمام ترجمه‌ها به ناسازگاری و عدم ارتباط «نُعْتَقُ» با «إِلَى» توجه شده است. در حل این ناسازگاری، ترجمه نخست و سوم عملکرد متفاوتی نسبت به دوم و چهارم داشته‌اند. در ترجمه نخست و سوم، حرف «الی» به معنای ظرفیت و متعلق به عامل خاص محذوف مثل «یَحْفَظُ» (ترجمه نخست) و «يَضَعُ» (ترجمه سوم) است. یعنی مترجمان، هم در معنای «إِلَى» تصرف کردند و هم رو به تقدیر عامل محذوف آورده‌اند؛ زیرا پس از تغییر معنای «إِلَى» از انتهای غایت به ظرفیت، ناسازگاری را همچنان پابرجا دیدند. لذا با تقدیر عامل آن را برطرف کردند. اشکال دیگر اینکه فعل «نُعْتَقُ» مجهولی را به صورت «يَعْتَقُ» معلومی با انتساب فاعل آن به «حمد» تحلیل شده است. هر دو مترجم در متن تصرف زیادی کرده و از مقصود گوینده دور شده‌اند.

در ترجمه ف و اح، حرف «الی» به همان معنای اصلی خود یعنی انتهای غایت است و برای حل ناسازگاری آن با فعل «نعتق»، از «رهسپار شدن یا نائل گردیدن» استفاده شده و به عبارت قبل عطف شده است؛ اولی با حذف حرف عطف و دومی با ذکر آن. چنانکه گذشت این نوع ترجمه را نمی‌توان بر اساس پدیده تضمین در نظر گرفت. در عطف اتحاد و هم‌زمانی تقیدی (قید بودن یکی برای دیگری) وجود ندارد.

ترجمه پیشنهادی

«ستایشی که بدان، رهسپارانه به پیشگاه کریمانه الله، از آتش دردناک رها می‌شویم».

در این ترجمه، فعل «نُعْتَقُ» به صورت مجعولی و معنای پنهان و اشراب شده یعنی «رهسپار شدن» به صورت حال ترجمه شده و بدین سبب قاعده ادبی نحات رعایت شده است. آنچه گوینده اراده کرده است، رهسپاری به سوی جوار کریمانه الله در حین تحقق عتق و آزادی است. هر دو در یک زمان در حال شکل‌گیری است. این هم‌زمانی تنها با نقش حال از نوع مقارنه قابل بیان به عربی و برگردان به فارسی است. برای برگردان نقش حال در این ترجمه از «رهسپارانه» استفاده شده است.

معنای پنهان نزد نگارنده «ذاهبین» است. این واژه با حرف «إِلَى» کاریست داشته و ناسازگاری آن را برطرف می‌سازد.

نمونه سوم: «وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أُسْتَكْبِرَ» (دعای دوازده)

فعل «برأ» به معنای دور شدن، لازم است و با حرف «من» متعدی می‌شود.^{۳۸} ولی در این فراز از دعای شریف به دلیل متضمن شدن معنای «التجاء»^{۳۹} یا معنای متناسب دیگر مثل «فرار» با حرف جر «إلی» همراه گشته است. گویی این بیزاری جستن همراه با پناه بردن یا فرار کردن به درگاه احدیت است. انسان باید از هر استکبار و خوددبرتری بینی و نشانه‌های آن از جمله غرور دوری کند. این دوری‌گزینی باید همراه با پناه بردن به خداوند باشد. استکبار به معنای سرکشی در برابر حق و دیگران است، در حالی که پناه بردن به خدا نشانه تواضع، فروتنی و ایمان به قدرت و عظمت الهی است.

ترجمه‌ها

ش: «و من بیزارم از سرکشی بر تو».

ف: «و من نزد تو از سرکشی بیزاری می‌جویم».

ا: «و من از این که در برابر تو سرکشی کنم، بیزارم».

اح: «و من به درگاه تو بیزاری می‌جویم از اینکه تکبر ورزم».

ارزیابی

در ترجمه ش و ا، واژه «إلیک» ترجمه نشده است. «بر تو» در ترجمه اول برگردان «إلیک» نیست، بلکه برگردان لایه مخفی کلام یعنی مفعول محذوف «أستکبر» است. زیرا تعلق آن به «أستکبر» صحیح نیست. این فعل همراه با «أن» مصدریه است و این حرف در حکم صدارت طلب است؛ یعنی اگرچه جزء ادات صدارت طلب نیست ولی همانند آن ادات، مانع عمل واژه بعد در واژه قبل می‌شود.^{۴۰} پس نمی‌توان «إلیک» را با «أستکبر» در نظر گرفت و ترجمه کرد.

در ترجمه دوم برای حل ناسازگاری «أبرأ» با «إلی»، به نیابت حروف و برگردان «إلی» به معنای معیت و همراهی روی آورده است که این کار از روی بی‌اطلاعی از تضمین به کار رفته در این فراز است.

^{۳۸} . الصحاح، ج ۱، ص ۷۶.

^{۳۹} . ریاض السالکین، ج ۲، ص ۵۱۴.

^{۴۰} . الحدائق الندیة، ص ۴۱۶.

در ترجمه چهارم نیز هیچ نشانی از تضمین و اشراب به کار رفته در عبارت وجود نداشته و بدون توجه به ناسازگاری «أبرأ» با «إلی»، بیزاری جستن به درگاه خدا برگردان شده است. در حالی که در *ریاض السالکین* به وجود تضمین «التجاء» در «أبرأ» تصریح شده است.

ترجمه پیشنهادی

«من فرارکنان به سوی تو، از برترینی خود بیزاری می جویم».

در این ترجمه، همراهی و همزمانی «فرار به سوی خدا» و «بیزاری جستن از خودبرتر بینی» با استفاده از قید اسمی «فرارکنان» نمایش داده شده است که برگردان روان حال نحوی در زبان فارسی است.

نمونه چهارم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِأَنْقِطَاعِي إِلَيْكَ» (دعای بیست و هشت)

اخلاص در لغت به معنای «پاک کردن قلب از آمیختگی توجه به غیر خدا»^{۴۱} و حقیقت آن بی‌زاری جستن از ماسوی الله است.^{۴۲} همچنین «انقطع الیه» به معنای «لزمه و ترک غیره» است.^{۴۳} تعدیه «انقطاع» با حرف «إلی» به دلیل تضمین و اشراب معنای «توجه» در آن است؛^{۴۴} زیرا ماده «توجه» با این حرف کاربست دارد.^{۴۵} ش: «خدایا، من دل از غیر تو برکندم و به تو پیوستم».

ف: «بار خدایا من ببردن از دیگری و پیوستنم بتو خود را پاک و پاکیزه نمودم (از هر چه جز تو چشم پوشیده بس بتو مینگرم)».

ا: «خدایا! بر بردنم از غیر و پیوستنم به تو، خود را خالص و پاک کردم».

اح: «معبود! من به بردنم (از غیر تو و آمدن) به سوی تو، خود را خالص نموده»

ارزیابی

در هر چهار ترجمه به ناسازگاری «انقطاع» با «إلی» توجه شده و با تقدیر ماده «وصال» (در سه ترجمه نخست) و «مجویء» (در ترجمه چهارم) و تعلق حرف جر به محذوف، آن را برطرف کرده‌اند. ولی به مسأله تضمین

^{۴۱} . ریاض السالکین، ج ۴، ص ۲۸۳.

^{۴۲} . مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۹۲.

^{۴۳} . ریاض السالکین، ج ۴، ص ۲۸۳.

^{۴۴} . همان.

^{۴۵} . الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۵۵.

که حاوی اغراض بلاغی خودویژه است توجه نشده است؛ زیرا با پیش فرض عطف «وصال»، این ناسازگاری حل شده است.

تفاوت ترجمه چهارم در استفاده از قلاب است. مترجم واژگانی که تکمیل کننده معنای «انقطاعی الیک» است را داخل قلاب قرار داده است. اگرچه همین مقدار که متوجه ناسازگاری «انقطاع» با «إلی» شده است، تحسین برانگیز است ولی این نوع ترجمه نشانگر عدم توجه ایشان به مسأله تضمین در بافت کلام است. زیرا حتی اگر به روش ترجمه لفظ به لفظ بخواهد عبارت را برگردان کند، باید تمام آنچه مراد گوینده بوده را ابراز نماید. چنانکه بیان شد، تضمین نحوی یک پدیده زبانی است که به هدف اصلی ایجاز به کار گرفته شده و حامل بخشی از پیام گوینده است. بنابراین وظیفه مترجم است که در برگردان خود بدان توجه داشته و همراه با سایر واژگان به ترجمه آن بپردازد. قرار دادن کلمات تکمیل کننده برگردان در داخل قلاب، ذهن خواننده را به سمت مقدر بودن واژگان آن معانی هدایت می کند و این دلالت، مطابق با بافت سخن نیست.

ترجمه پیشنهادی

«خدایا من قلبم را با بریدن رهسپارانه به سوی تو خالص کردم».

یعنی این انقطاع از غیر تو در حالی انجام می شود که تمام توجه قلبم به سوی تو رهسپار است و گرنه بدون این حالت، امکان انقطاع از غیر وجود ندارد.

نمونه پنجم: «عَمَّضَ بَصْرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِعًا» (دعای سی و یک)

«عَمَّضَ بَصْرَهُ تَغْمِيضًا وَ أَعْمَضَهُ إِعْمَاضًا» یعنی پلک های خود را بست.^{۴۶} حضرت سجاد (ع) این فعل را با «إلی» متعدی کرده است تا معنای متمایل کردن را در برگیرد. در *ریاض السالکین* هر دو گونه از تحلیل معنایی تضمین بیان شده است. معنای عبارت نزد ایشان چنین است: «عَمَّضَ بَصْرَهُ مَمِيلًا لَهْ إِلَى الْأَرْضِ» یا «أَمَالَ بَصْرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مَعْمُضًا لَه».^{۴۷}

ترجمه ها

ش: «به فروتنی دیده بر زمین دوخته».

ف: «با فروتنی دیده به زمین انداخته».

ا: «از روی تواضع و فروتنی دیده اش را به سوی زمین انداخته».

^{۴۶} . لسان العرب، ج ۷، ص ۱۹۹.

^{۴۷} . ریاض السالکین، ج ۴، ص ۴۰۱.

اح: «خاشعانه چشمش را به زمین فرو افکند».

ارزیابی

در سه ترجمه نخست «غَمَّضَ» که به معنای فرو بستن چشم است به درستی برگردان نشده است. «دوختن چشم بر زمین» و «انداختن چشم به زمین» برگردان صحیح این فعل نیست. دوختن یعنی خیره شدن و انداختن یعنی پایین را نگاه کردن. همچنین در ترجمه نخست «إلی» به معنای «بر» برگردان شده است. این معنا، توانایی حل ناسازگاری «غَمَّضَ» با «إلی» را نداشته و ابهام ناشی از آن را باقی نگه می‌دارد.

در ترجمه دوم و سوم نیز «إلی» به معنای انتهای غایت برگردان شده است ولی به ناسازگاری این معنا با فعل قبل توجه نشده است.

ترجمه چهارم نیز از تضمین به کار رفته در آن غافل شده است. تضمینی که با استناد به کتاب‌های لغوی و با تصریح شارح بزرگ سیدعلی خان مدنی^{۴۸} قابل اثبات است. «فرو افکندن چشم به زمین» برگردان صحیحی برای عبارت نیست. «تغمیض» به معنای پایین انداختن چشم و نگاه نیست. بلکه به معنای بستن آن است. همچنین کاربرد آن با «إلی» ذهن را به تضمین نهفته در آن رهسپار کرده و مراد گوینده را آشکار می‌کند.

ترجمه پیشنهادی

«خاشعانه چشمش را درحالی که به سمت زمین متمایل کرده فرو بست».

«در حال انداختن نگاهش به زمین، با خشوع تمام چشمش را فرو بست».

امام سجاد (ع) در این جمله یک صحنه جذاب و هنری ترسیم می‌کنند. عبد، پلک‌های چشم خود را در حالت انداختن نگاه به سمت زمین می‌بندد و این عمل از سر اظهار خضوع و خشوع در برابر عظمت پروردگار است. مقام توبه اقتضای چنین حالتی برای عبد گنهکار دارد. در این ترجمه، معنای پنهان «رمی» است که صلاحیت کاربرد آن با «إلی» را دارد.

^{۴۸} . ریاض السالکین، ج ۴، ص ۴۰۲.

نمونه ششم: «وَأَسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» (دعای چهل و هشت)

فعل «طلبیت» با «إلی» تعدیه شده است، زیرا متضمن معنای «رغبه» یا «ابتهاال» است. حرف «فی» در عبارت «رغبیت فی» برای بیان ظرفیت مجازی یا سببیت به کار رفته است.^{۴۹}

ترجمه‌ها

ش: «همه آنچه را که از تو خواسته‌ام و طلب کرده‌ام و به آن میل نموده‌ام، برایم مستجاب فرما».

ف: «و آنچه از تو طلبیده و خواسته‌ام و در آن به درگاه تو تضرع و زاری نمودم برایم مستجاب فرما».

ا: «همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم و به خاطر آن مشتاقانه به سوی تو روی آوردم، برایم مستجاب کن».

اح: «و همه آنچه را از تو درخواست نمودم و به درگاه تو طلب کردم و درباره آن به سوی تو روی آوردم برایم اجابت فرما».

ارزیابی

در هیچ یک از ترجمه‌ها پدیده تضمین مورد توجه مترجمان قرار نگرفته است. تنها در ترجمه چهارم، ناسازگاری فعل «طلبیت» با «إلی» با تقدیر گرفتن «تضرع» و عطف آن بر فعل مذکور برطرف شده است و چنانکه بیان شد، این تقدیر غیر از تضمین نحوی بوده و راهکار مناسبی برای حل ناسازگاری نیست. هیچ یک از دانشمندان نحوی و بلاغی نیز بدان روی نیاورده‌اند.

ترجمه پیشنهادی

«همه آنچه از تو درخواست نمودم و در حال ابتهاال و زاری به درگاهت، طلب کردم و نسبت به آن به سوی روی آوردم را اجابت فرما».

نمونه هفتم: «وَأَسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» (دعای چهل و دو)

«شفاء» به معنای بهبودی از بیماری است. خداوند قرآن را شفا قرار داده است برای از بین بردن بیماری‌های قلبی مانند جهل، شک، شرک، نفاق و دیگر عقاید فاسد (مدنی، ۱۴۰۹: ۵/۴۱۴). «انصاف» به معنای سکوت برای گوش دادن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۴۹۶). گفته می‌شود: «نصت له» یعنی با دقت و سکوت گوش کرد (مدنی، ۱۴۰۹: ۵/۴۱۴).

^{۴۹} ریاض السالکین، ج ۷، ص ۲۳۸.

«باء» در عبارت «بفهم التصديق» برای نشان دادن همراهی است، یعنی سکوت همراه با درک و تصدیق (همان). فهم به معنای دریافت معنا از کلام گوینده است و گفته شده است که فهم به معنای درک ریز و دقیق است و از علم خاص تر است، زیرا علم به معنای مطلق درک است، چه درک آشکار و چه پنهان. به همین دلیل خداوند در داستان داوود و سلیمان فرموده است: «پس آن را به سلیمان فهماندیم و به هر دوی آن‌ها حکم و علم دادیم» (انبیاء: ۲۱، آیه ۷۹) خداوند فهم را به سلیمان اختصاص داده و علم را برای هر دوی آن‌ها ذکر کرده است (مدنی، ۱۴۰۹: ۱۴/۵).

و تصدیق یعنی اینکه شنونده با اختیار خود، راست‌گویی را به خبردهنده نسبت دهد. در اینجا مراد از تصدیق، اعتقاد به راست‌گویی قرآن و ایمان به آن است. اضافه آن به فهم از نوع اضافه اختصاصیه است. «أل» در آن ممکن است جانشین ضمیر مضاف‌الیه باشد و در اصل به شکل «بفهم تصدیقه» بوده که مضاف حذف شده و «أل» به جای آن آمده است؛ مانند آیه «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات: ۷۹، آیه ۴۱) که یعنی «مأوی اوست» بر اساس دیدگاه کسانی که نیابت «أل» از ضمیر مضاف‌الیه را جایز می‌دانند، که شامل کوفی‌ها و برخی بصری‌هاست. اما بر اساس دیدگاه مخالفان، این عبارت با تقدیر «له» یا «به» است، همان‌گونه که در آیه چنین تقدیر می‌شود (مدنی، ۱۴۰۹: ۱۵/۵).

«استمع» به معنای گوش دادن با قصد و عمد است (فیومی ۱۴۱۴: ۲۸۹/۱) «أنصت» به دلیل تضمین معنای گوش سپردن و توجه، با «إلی» به کار رفته است.

از آنجا که پذیرش از سوی پذیرنده شرطی برای ظهور اثر از فاعل است، حضرت علیه‌السلام شفا بودن آن را با عبارت «برای کسی که با فهم همراه با تصدیق به شنیدن آن گوش فرا دهد» مقید کرد، همان‌گونه که خداوند تعالی فرمود: «و از قرآن چیزی را نازل می‌کنیم که برای مؤمنان شفا و رحمت است و برای ظالمان جز زیان نمی‌افزاید» (اسراء: ۱۷، آیه ۸۲)؛ زیرا مراد از ظالمان کسانی هستند که تکذیب را جایگزین تصدیق کرده‌اند، و شک را به جای یقین قرار داده و تردید را به جای اطمینان نهاده‌اند. پس گوش دادن به قرآن به سبب کفر و تکذیب و شک و تردیدشان جز هلاکت برایشان نمی‌افزاید (مدنی، ۱۴۰۹: ۱۵/۵).

ترجمه‌ها

ش: «و درمان درد آن کس کردی که از روی اندیشه بدان گوش فرا دهد و با تصدیق آن را بشنود».

ف: «و شفاء و بهبودی (بیماری‌ها مانند نادانی بحق و نگرودن بخدا و رسول و دورویی) برای کسی که فهمیدن آن را از روی تصدیق و باور نمودن (نه از روی تکذیب و انکار) خواسته، و برای شنیدنش خاموش گشته».

ا: «و در مان برای کسی که با رعایت سکوت به آیاتش گوش فرا می دهد».

اح: «و شفا (گردانی) برای کسی که با درک باورداشت آن، برای شنیدنش خاموش گشته».

ارزیابی

در هیچ یک از ترجمه‌ها، به پدیده تضمین پرداخته نشده است.

ترجمه‌ی پیشنهادی

«قرآن را شفا قرار دادی برای کسی که برای فهم تصدیق‌وار، با حالت خاموشی به آن گوش سپرده است».

نمونه هشتم: «وَلَا يَشْقَىٰ بِنِعْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ إِلَّا عَن طَوْلِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ» (دعای چهل و پنج)

در این فراز باء «بِنِعْمَتِكَ» به معنای همراهی یا سببیت است. یعنی: «با نعمت تو همراه نباشد» یا «به سبب نعمت تو بدبخت نشود»؛ زیرا نعمت گاهی می‌تواند سبب بدبختی شود. استثنای «إِلَّا عَن طَوْلِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ» استثنای منقطع (مدنی، ۱۴۰۹: ۱۱۹/۶) و فاعل «إِعْذَار» خدای متعال است. «عن» به معنای «بعد از» است. یعنی پس از طولانی شدن درخواست عذر و فرصت دادن. مانند آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: «عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصِيبُ مَنْ نَادَمِينَ» پس از اندک زمانی پشیمان خواهند شد (مومنون: ۲۳، آیه ۴۰). «إِعْذَار» به معنای مبالغه در عذرخواستن از فرد خطاکار است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۹۶/۳). معنای مبالغه خداوند در عذرخواستن، این است که حجت بر کسانی که هلاک می‌شوند یا در هنگام مجازات بدبخت می‌شوند، تمام شود، همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لَعَلَّ الْإِنسَانَ يَرْجِعَ إِلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ» فرستادگان را بشارت‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم تا مردم بر خدا حجتی نداشته باشند (نساء: ۴، آیه ۱۶۵). تعدیه این فعل با «إِلَى» به دلیل تضمین معنای رساندن و اتمام حجت است (مدنی، ۱۴۰۹: ۱۱۹/۶).

ترجمه‌ها

ش: «و بدبخت نگردد مگر دیر زمانی او را مهلت داده‌ای».

ف: «و بدبخت‌شان به وسیله نعمت تو بدبخت نگردد (مستوجب عذاب نشود) مگر پس از بسیاری عذر داشتن».

ا: «و تیره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاکت و بدبختی آنان، پس از طول مدتی است که ... عذر بسیاری از این قبیل در برابرشان قرار دادی».

اح: «و بدبخت آنان با نعمت تو تیره‌بخت گردد؛ مگر پس از عذر (هشدار) بسیار نسبت به او».

ارزیابی

در تمام ترجمه‌ها به ناسازگاری «إعذار» با «إلی» و راهکار تضمین برای حل آن توجه شده است. در ترجمه نخست، دوم و چهارم واژه «إعذار» به معنای عذرخواهی برگردان شده که درست به نظر نمی‌رسد. در ترجمه سوم این واژه که فعل خداست به درستی به معنای «عذر قرار دادن» برگردان شده است.

ترجمه پیشنهادی

«تا اینکه بدبختشان به سبب نعمت بدبخت نشود، مگر پس از به درازا کشیده شدن عذرخواستنت با اینکه حجت را بر او تمام کردی».

نمونه نهم: «وَ خَذُ بِقَلْبِي إِلَيَّ مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ» (دعای چهل و هفت)

«أخذ» به معنای گرفتن از باب «قتل» است: یعنی آن را گرفت و محکم نگه داشت. سپس این عبارت در معنای کلی تسلط بر چیزی به صورت حسی یا معنوی، به کار رفته است. تعدیه آن با «إلی» به دلیل تضمین معنای هدایت یا سوق دادن در آن است. گفته می‌شود: «أخذت بفلان إلی کذا؛ فلانی را به فلان جا بردم»، یعنی او را به سوی آن‌جا هدایت یا راهنمایی کردم (مدنی، ۱۴۰۹: ۵۵/۷). «قنت یقنت قنوتاً» از باب «قعد» به معنای اطاعت، دعا و خشوع کردن است (مدنی، ۱۳۸۴: ۲۸۲/۳). «استعملته» یعنی او را به کار گرفتم و مشغول کردم.

ترجمه‌ها

ش: «و دل مرا به کاری برگمار که طاعت‌پیشگان را بدان گماشته‌ای».

ف: «و دلم را متوجه گردان به آنچه (راهی که) اطاعت‌کنندگان را به آن وا داشته‌ای».

ا: «و دلم را در مسیری بر که اطاعت‌گندگان را به آن به کار گرفته‌ای».

اح: «و دلم را به آنچه که پارسایان را بدان گماری بگمار».

ارزیابی

در ترجمه نخست و چهارم نه به پدیده تضمین توجه شده و نه فعل «خذ» به درستی برگردان شده است. «بگمار» معادل صحیحی برای این فعل نیست.

در ترجمه دوم و سوم به پدیده تضمین توجه شده و معنای اشراب شده با اندکی اختلاف برگردان شده است ولی معنای فعل آشکار یعنی «خذ» رها شده است.

ترجمه پیشنهادی

«دل مرا محکم نگه دار در حالی که سوق می‌دهی به سوی آنچه طاعت‌پیشگان را بدان گماردی».

نمونه دهم: «وَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» (دعای چهل و هشت)

«استجابۀ» به معنای «پاسخ دادن» است. این فعل با «لام» تعدیه می‌شود. فعل «طلبت» با «إلی» تعدیه شده است، زیرا متضمن معنای «رغبۀ» یا «ابتهاال» است. حرف «فی» در عبارت «رغبتم فیہ» برای بیان ظرفیت مجازی یا سببیت به کار رفته است (مدنی، ۱۴۰۹: ۷/۲۳۸).

ترجمه‌ها

ش: «همه آنچه را که از تو خواسته‌ام و طلب کرده‌ام و به آن میل نموده‌ام، برایم مستجاب فرما».

ف: «و آنچه از تو طلبیده و خواسته‌ام و در آن به درگاه تو تضرع و زاری نمودم برایم مستجاب فرما».

ا: «همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم و به خاطر آن مشتاقانه به سویت روی آوردم، برایم مستجاب کن».

اح: «و همه آنچه را از تو درخواست نمودم و به درگاه تو طلب کردم و درباره آن به سوی تو روی آوردم برایم اجابت فرما».

ارزیابی

در هیچ یک از ترجمه‌ها پدیده تضمین مورد توجه مترجمان قرار نگرفته است. تنها در ترجمه چهارم، ناسازگاری فعل «طلبت» با «إلی» با تقدیر گرفتن «تضرع» و عطف آن بر فعل مذکور برطرف شده است و چنانکه بیان شد، این تقدیر غیر از تضمین نحوی بوده و راهکار مناسبی برای حل ناسازگاری نیست. هیچ یک از دانشمندان نحوی و بلاغی نیز بدان روی نیاوردند.

ترجمه پیشنهادی

«همه آنچه از تو درخواست نمودم و در حال ابتهاال و زاری به درگاهت، طلب کردم و نسبت به آن به سوی روی آوردم را اجابت فرما».

نتیجه‌گیری

تضمین نحوی یکی از پدیده‌های زبانی است که با ایجاد آشنایی زدایی در کلام، ضمن انتقال مفهومی چندلایه، در زیبایی بخشی آن اثر به سزایی دارد. در صحیفه سجادیه با حذف تکرار، یازده نمونه وجود دارد که حرف «الی» با عامل خود تناسب معنایی نداشته و یک ناسازگاری در عبارت ایجاد کرده است. این ناسازگاری با استناد به معاجم لغوی و شرح ریاض السالکین اثبات می‌شود. در تمام موارد سیدعلی خان مدنی با پدیده تضمین نحوی به حل این ناسازگاری می‌پردازد. پدیده تضمین، مقصود گوینده کلام بوده به غرض بلاغی ایجاز و برخی اغراض بلاغی دیگری انجام شده است. این پدیده زبانی حامل بخشی از پیام گوینده است. بنابراین وظیفه مترجم است که در برگردان خود بدان توجه داشته و همراه با سایر واژگان به ترجمه آن بپردازد. راهکار «افزایش» عطفی -در داخل قلاب یا متن اصلی-، ذهن خواننده را به سمت تقدیر و حذف آن معانی هدایت می‌کند و این دلالت، با غرض اصلی تضمین که اتحاد و همزمانی در تحقق دو معنای آشکار و پنهان است منافات دارد. آقایان شعرانی، فیض الاسلام و انصاریان و خانم فاطمه احمدی از جمله مترجمان کتاب شریف صحیفه سجادیه هستند. در ده نمونه بررسی شده، هیچ یک از مترجمین به پدیده تضمین توجه نداشته و یا ناسازگاری عبارت را رها کردند و یا از راهکار افزایش عطفی استفاده کرده‌اند.

کتابنامه

۱. کتابها

- ابن جنی، عثمان، الخصائص فی اللغة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ ۳، بی تا.
- ابن عصفور، علی بن مومن، شرح جمل الزجاجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ ۱، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ ۳، ۱۴۱۴ق.
- ابن هشام، عبدالله، المغنی للیب، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، چاپ، بی تا. ۴.
- استرآبادی، رضی الدین، محمد بن حسن، شرح الرضی علی الکافیة، تهران: موسسه الصادق للطباعة و النشر، چاپ ۱، ۱۳۸۴ش.
- تفتازانی، سعد الدین، المطول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ۱، ۱۴۲۵ق.
- جواهری، سیدمحمدحسن، درسمه‌ی ترجمه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ ۱، ۱۳۷۶ق.
- _____، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- حسن، عباس، النحو الوافی، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۲، ۱۳۶۷ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ ۱، ۱۴۱۲ق.
- زرکشی، محمد، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ ۱، ۱۴۲۸ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، مقدمه الأدب، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۶ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۱، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.

_____ الأشباه و النظائر فى النحو، بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ ۲، بی تا.

صفوى، سيد محمد رضا، نقد آموزى ترجمه هاى قرآن، قم: موسسه بنياد فرهنگى مهدي موعود (عج)، ۱۳۹۱ ش.
طوسى، محمد بن الحسن، رجال الطوسى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجامعه المدرسين بقم المقدسه،
۱۳۷۳ ش

فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، قم: نشر هجرت، چاپ ۲، ۱۴۰۹ ق.

فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق

مدنى، على خان بن احمد، الحدائق النديه فى شرح الفوائد الصمديه، قم: ذوى القربى، چاپ ۱، بی تا.

_____ رياض السالكين فى شرح صحيفه سيد الساجدين، قم: دفتر انتشارات اسلامى،
چاپ ۱، ۱۴۰۹ ق.

معروف، يحيى، فن ترجمه، تهران: سمت، ۱۳۹۷ ش.

مفيد، محمد بن محمد، الأمالى، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.

نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه،
۱۳۶۵ ش.

نصيرى، حافظ، روش ارزيبابى و سنجش كيفى متون ترجمه شده از عربى به فارسى، تهران: سمت، چاپ ۱،
۱۳۹۰ ش.

۲. مقاله ها

باقر، علي رضا، ۱۳۸۶ ش، تضمين بيانى و اغراض بلاغى آن در قرآن، صحيفه مبین، ش ۴۱.

حاجى خانى، على؛ پاشائى، توحيد، روش شناسى ترجمه هاى تضمين نحوى در برخى ترجمه هاى معاصر قرآن
كريم، نشریه زبان و ادبيات عربى، شماره ۳۰، ۱۳۹۳ ش.

غلامعلى، احمد، ۱۳۹۲ ش، اعتبارسنجى الصحيفه السجديه، قم: نشریه علوم حديث، پيايى ۶۹، پاييز، شماره ۳.